Archive of SID.ir

Governance and Development Journal
Online ISSN: 2783-3461
Homepage: www.jipaa.ir
Iranian Scientific Association of Public Administration
University of Sistan and Baluchestan

Proposing a Policymaking Framework to Combat Inequality in the Islamic Republic of Iran: A Case Study on Poverty Alleviation and Eradicating Marginalization

Hanieh Keshtkarrajabi[1] | **Masoud Banafi**[2]✉ | **Ali Asghar Pourezzat**[3] | **Abbas Monavvarian**[4]

1. Ph.D. Candidate, Department of Public Administration, Faculty of Management, Kish International Campus, University of Tehran ,Kish, Iran. E-mail: hanieh.keshtkar@ut.ac.ir
2. Assistant Professor, Public Governance Department, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran.(Corresponding Author).E-mail: banafi@ut.ac.ir
3. Prof., Department of Leadership and Human Capital, Faculty of Public Management and Organizational Science, College of Management, University of Tehran, Iran. E-mail: pourezzat@ut.ac.ir
4. Prof., Department of Public Policy & Administration, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: amonavar@ut.ac.ir.

Objective: Given the significance of poverty and its growing prevalence in Iranian society, it appears that despite various efforts and initiatives to combat poverty and informal settlements, the lack of a comprehensive policy framework has been a major factor in the failure of these initiatives. This study aims to develop an effective policy model for reducing poverty and addressing informal settlements in the Islamic Republic of Iran.

Research Methodology: This study is applied in nature and employs a qualitative research approach. The grounded theory methodology using the Strauss and

Article type: Research

Cite this article: H. Keshtkarrajabi, M. Banafi, A. A. Pourezzat and A. Monavvarian (2024) Proposing a Policymaking Framework to Combat Inequality in the Islamic Republic of Iran: A Case Study on Poverty Alleviation and Eradicating Marginalization. Governance and Development Journal, 4(3), 181-209.
DOI: 10.22111/jipaa.2025.498453.1248.

Received: 07.01.2025 **Revised:** 10.02.2025
Accepted: 06.03.2025 **Published:** 23.09.2024

© The Author(s

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Corbin approach was adopted. Data were collected through in-depth interviews with 12 experts, including policymakers, managers, and university specialists familiar with the research topic. The interviews continued until theoretical saturation was achieved. The coding process was conducted in three stages: open coding, axial coding, and selective coding.

Findings: The data analysis resulted in the identification of 130 open codes, 18categories, and 6 core themes. The proposed grounded theory model consists of six main components:

1. Central Phenomenon: A policymaking model for addressing inequality.
2. Causal Conditions: Networking, innovation, problem identification, and demographic factors.
3. Contextual Conditions: Indicator-driven approaches, quality-oriented strategies, foresight, and documentation.
4. Intervening Conditions: Supervision and monitoring, advocacy, and lobbying.
5. Strategies:Goal-oriented policies, program-based planning, and efficiency-driven implementation.
6. Outcomes:Justice promotion, strengthening the local economy, reducing regional inequalities, social sustainability, and feedback-based policy adjustment.

Conclusion:

The study presents a structured and implementable policy framework for combating inequality in the Islamic Republic of Iran. This model provides practical insights and strategic guidelines to assist policymakers in achieving sustainable results in poverty reduction and mitigating the challenges of informal settlements.

Keywords

Policymaking, Poverty Alleviation, Inequality, Marginalization.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

حکمرانی و توسعه
شاپا الکترونیکی: ۲۷۸۳-۳۴۶۱
Homepage: www.jipaa.ir

ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری برای مبارزه با نابرابری در جمهوری اسلامی ایران: مورد مطالعه فقرزدایی و از بین بردن حاشیه‌نشینی

هانیه کشتکاررجبی[۱] | علی اصغر پورعزت[۲] | مسعود بنافی[۳]✉ | عباس منوریان[۴]

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، پردیس کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران.
رایانامه: hanieh.keshtkar@ut.ac.ir
۲. استاد، بخش حکمرانی عمومی و اداری ، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: pourezzat@ut.ac.ir
۳. نویسنده مسئول، استادیار گروه حکمرانی عمومی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: banafi@ut.ac.ir
۴. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:amonavar@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها:
خط‌مشی‌گذاری، فقرزدایی، نابرابری، حاشیه نشینی.

چکیده

هدف: با توجه به اهمیت فقر و رشد آن در جامعه ایران، به‌نظر می‌رسد که علی‌رغم تلاش‌ها و اقداماتی که برای مقابله با فقر و حاشیه‌نشینی صورت گرفته، نبود یک الگوی خط‌مشی‌گذاری منسجم به عنوان یکی از دلایل ناکامی در این زمینه مطرح است. این پژوهش به‌دنبال ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری موثر برای کاهش فقر و مبارزه با حاشیه‌نشینی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

روش پژوهش:این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، کیفی است. روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد با استفاده از رویکرد اشتراس و کوربین به‌کار گرفته شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۲ نفر از خبرگان شامل خط‌مشی‌گذاران، مدیران، و متخصصان دانشگاهی آشنا با موضوع پژوهش جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. فرآیند **شناسه**گذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام شد.

یافته‌ها:تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۱۳۰ **شناسه** باز، ۱۸ مقوله و ۶ مضمون محوری شد. **الگوی نظریه داده‌بنیاد** ارائه‌شده شامل شش مؤلفه اصلی است:
۱ .پدیده محوری: الگوی خط‌مشی‌گذاری برای مبارزه با نابرابری.

استناد: کشتکاررجبی، هانیه؛ پورعزت، علی اصغر؛ بنافی، مسعود؛ منوریان، عباس (۱۴۰۳) "ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری برای مبارزه با نابرابری در جمهوری اسلامی ایران: مورد مطالعه فقرزدایی و از بین بردن حاشیه‌نشینی" فصلنامه حکمرانی و توسعه، (۴)۳، ۲۰۹-۱۸۱.
DOI: 10.22111/jipaa.2025.498453.1248
ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان
© نویسندگان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲ .شرایط علی: شبکه‌سازی، نوآوری، چالش‌کاوی و عوامل جمعیت‌شناسی.
۳ .شرایط زمینه‌ای: شاخص‌محوری، کیفیت‌گرایی، آینده‌پژوهی و مستندسازی.
۴ .شرایط مداخله‌گر: **بازرسی** و پایش، حمایت‌گری و حمایت‌جویی.
۵ .راهبردها: هدف‌محوری، برنامه‌محوری و بهره‌وری.
۶ .پیامدها: عدالت‌گستری، تقویت اقتصاد محلی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، پایداری اجتماعی و بازخوردمحوری.
نتیجه‌گیری :یافته‌های پژوهش یک الگوی خط‌مشی‌گذاری ساختاریافته و قابل اجرا برای مقابله با نابرابری در جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد. این **الگو**، بینش‌ها و **راهبرد**های عملی را برای هدایت خط‌مشی‌گذاران در دستیابی به نتایج پایدار در زمینه فقرزدایی و کاهش حاشیه‌نشینی فراهم می‌کند.

مقدمه

فقر و نابرابری‌های اجتماعی از بنیادی‌ترین چالش‌های جوامع معاصر به شمار می‌روند و تأثیرات گسترده‌ای بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی دارند. این معضل نه تنها به‌عنوان یک مسئله داخلی در کشورها مطرح است، بلکه یکی از دغدغه‌های کلیدی در سطح بین‌المللی نیز محسوب می‌شود. سازمان ملل متحد در اهداف توسعه پایدار[1] صراحتاً بر ریشه‌کن‌سازی فقر و کاهش نابرابری تأکید کرده و این اهداف را به‌عنوان پیش‌نیازهای اساسی برای دستیابی به توسعه انسانی پایدار معرفی نموده است. نابرابری‌های اقتصادی در سطح جهانی به شکلی فزاینده در حال گسترش است و این روند نه تنها به نفع گروه‌های کم‌درآمد نبوده، بلکه به ایجاد شکاف‌های عمیق‌تری در جوامع مختلف منجر شده است. به‌طور خاص، گزارش چنل و همکاران[2] اشاره به این موضوع دارد که بیش از ۷۰۰ میلیون نفر همچنان در فقر شدید زندگی می‌کنند و نابرابری درآمدی به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی تبدیل شده است. برای مقابله با این بحران، خط‌مشی‌های عمومی باید به طور جدی به ریشه‌های ساختاری نابرابری و فقر پرداخته و اقدامات اساسی را برای کاهش این شکاف‌ها در نظر بگیرند. همچنین، اجرای مؤثر چنین خط‌مشی‌هایی نیازمند هماهنگی دقیق میان نهادهای مختلف و توجه به شرایط خاص هر کشور است (چنل و همکاران،۲۰۲۱).

در این راستا، خط‌مشی عمومی یکی از ابزارهای کلیدی دولت‌ها برای مقابله با چالش‌های اجتماعی محسوب می‌شود و نقش مهمی در کاهش فقر و نابرابری ایفا می‌کند. خط‌مشی عمومی به مجموعه‌ای از تصمیمات و اقدامات اشاره دارد که در مواجهه با یک مسئله عمومی اتخاذ شده و تمامی مراحل از شناسایی مشکل تا ارزیابی نتایج اجرای آن را شامل می‌شود (زینی‌وند مقدم و همکاران، ۱۴۰۰). با این‌وجود، موفقیت خط‌مشی‌های عمومی صرفاً به نحوه تدوین آن‌ها وابسته نیست، بلکه اجرای صحیح و کارآمد نیز عاملی تعیین‌کننده در دستیابی به اهداف موردنظر است. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که سیاست‌های حمایتی اجتماعی، تغییرات ساختاری در قدرت و منابع، و رویکردهای هم‌زمان که به درک متقابل نابرابری‌های مختلف می‌پردازند،

[1] The United Nations in the Sustainable Development Goals (SDGs)
[2] Chancel et al.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌توانند راه‌حل‌های پایداری را در این زمینه‌ها ارائه دهند(بانک جهانی،۲۰۲۲). مطالعات نشان داده‌اند که اجرای مؤثر خط‌مشی‌های عمومی در کاهش نابرابری درآمدی و بهبود دسترسی به فرصت‌های برابر نقش کلیدی دارد، اما بسیاری از خط‌مشی‌های موجود به دلیل عدم هماهنگی میان نهادهای اجرایی و ضعف در فرآیندهای اجرایی به نتایج مورد انتظار دست نیافته‌اند (شایگان و قهرمان، ۱۴۰۲). علاوه بر این، مفهوم‌پردازی صحیح خط‌مشی‌ها و راهبردهای مرتبط با کاهش فقر و نابرابری از جمله عوامل تأثیرگذار بر کارآمدی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی است که در ایران نیاز به بررسی و بهبود دارد (دانایی‌فر و همکاران، ۱۴۰۳).

با توجه به اهمیت خط‌مشی‌گذاری در مدیریت مسائل اجتماعی، شناسایی الگوهای کارآمد در تدوین و اجرای خط‌مشی‌های مرتبط با کاهش فقر و نابرابری امری ضروری است. بهبود سیاست‌گذاری‌های عمومی در این حوزه می‌تواند زمینه‌ساز افزایش کارآمدی اقدامات دولت و ارتقای سطح رفاه اجتماعی شود. ازاین‌رو، بررسی نظام‌مند چالش‌های خط‌مشی‌گذاری و ارائه راهکارهای اجرایی مؤثر برای کاهش فقر و نابرابری، گامی اساسی در جهت تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار محسوب می‌شود.در ایران نیز، فقر و نابرابری‌های اجتماعی از مسائل اساسی خط‌مشی‌گذاری عمومی به شمار می‌آیند. با توجه به اصول تصریح‌شده در قانون اساسی (مانند اصول ۳، ۳۱،۲۹ و ۴۳) و برنامه‌های توسعه‌ای، کاهش فقر و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به‌عنوان اولویت‌های کلیدی مطرح بوده است. با این حال، بررسی آمارهای اخیر نشان می‌دهد که بیش از ۳۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند و حدود ۲۰ میلیون نفر در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند. این آمارها نشان‌دهنده ناتوانی نظام خط‌مشی‌گذاری فعلی در پاسخگویی به این چالش‌ها است. یکی از دلایل اصلی این ناکارآمدی، عدم تطبیق راهبردهای خط‌مشی‌گذاری با شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور است که نیازمند بازبینی و نوآوری در فرآیندهای تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها می‌باشد (مبینی دهکردی و همکاران، ۱۳۹۷).

افزایش شهرنشینی نیز به‌عنوان یکی از پدیده‌های جهانی، وضعیت نابرابری اجتماعی را در ایران تشدید کرده است. در حالی که انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۵ حدود ۷۰ درصد از جمعیت جهان شهرنشین باشند، این روند در ایران نیز با رشد سریع شهرها و افزایش مناطق حاشیه‌نشین همراه بوده است. مطالعات نشان می‌دهند که این تغییرات به تعمیق شکاف طبقاتی، کاهش دسترسی به خدمات اساسی و افزایش بیکاری و فقر منجر شده‌اند. در چنین شرایطی، اهمیت خط‌مشی‌گذاری عمومی به‌عنوان ابزاری برای تدوین و اجرای خط‌مشی‌های مؤثر در مبارزه با نابرابری اجتماعی و فقر بیش از پیش احساس می‌شود.

ادبیات پژوهش حاکی از آن است که بسیاری از خط‌مشی‌های عمومی به دلیل ضعف در اجرا و عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف، از دستیابی به اهداف خود بازمانده‌اند. برای نمونه، در ایران، برنامه‌های توسعه‌ای نظیر برنامه پنجم و ششم با وجود تدوین خط‌مشی‌های مشخص برای کاهش فقر و نابرابری، به دلیل ضعف در زیرساخت‌های اجرایی و نبود هم‌افزایی میان نهادها، موفق به تحقق اهداف خود نشده‌اند. به طور خاص، عوامل ساختاری نظیر نبود شفافیت در نقش‌آفرینی خط‌مشی‌ها و کمبود توجه به هماهنگی میان تدوین و اجرای آن‌ها، از چالش‌های اصلی در این زمینه بوده است.

با توجه به چالش‌های مطرح‌شده، این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که:

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

چگونه می‌توان الگویی جامع برای خط‌مشی‌گذاری در حوزه کاهش فقر و رفع حاشیه‌نشینی در جمهوری اسلامی ایران ارائه داد که ضمن کارآمدی، قابلیت اجرایی بالایی داشته باشد؟

هدف این پژوهش، طراحی الگوی جامع خط‌مشی‌گذاری برای مبارزه با نابرابری در جمهوری اسلامی ایران است که به طور خاص به مسئله کاهش فقر و رفع حاشیه‌نشینی می‌پردازد. شکاف تحقیقاتی کلیدی که این مطالعه در صدد رفع آن است، نبود چارچوب‌های یکپارچه‌ای است که بتوانند ارتباط میان تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها را بهینه کنند. نوآوری این پژوهش در آن است که با بهره‌گیری از تجربیات موفق بین‌المللی و تحلیل وضعیت موجود ایران، الگویی ارائه می‌دهد که ضمن پوشش تمامی ارکان خط‌مشی‌گذاری، قابلیت انطباق با شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور را داشته باشد.

این مطالعه تلاش می‌کند تا با ارائه راهکارهای عملی و مؤثر، به تدوین و اجرای خط‌مشی‌هایی بپردازد که علاوه بر کاهش فقر و نابرابری، زمینه‌ساز توسعه پایدار و عدالت اجتماعی در ایران باشند.

مرور ادبیات

مرور ادبیات نظری

نابرابری اقتصادی و فقر از معضلات چندبعدی نظام‌های اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌روند که پژوهشگران، خط‌مشی‌گذاران و نهادهای بین‌المللی برای کاهش پیامدهای آن‌ها، راهکارهای گوناگونی ارائه داده‌اند. مطالعات مختلف تلاش کرده‌اند تا عوامل تأثیرگذار بر این معضل را شناسایی کرده و راهکارهایی برای کاهش آن ارائه دهند. با این حال، پیچیدگی و پویایی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی ایجاب می‌کند که این مسئله از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

در این راستا، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد (اشتروس و کوربین) به دنبال توسعه الگویی جامع برای کاهش نابرابری و فقرزدایی است. از این‌رو، مرور ادبیات این پژوهش در چند بخش سازماندهی شده است. ابتدا به بررسی مفاهیم کلیدی مرتبط با فقر و نابرابری پرداخته می‌شود. سپس، رویکردهای نظری مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه، پژوهش‌های پیشین در زمینه کاهش فقر و نابرابری با تأکید بر خط‌مشی‌های اجرایی و اثرگذاری آن‌ها بررسی خواهد شد. هدف این بخش، ایجاد یک چارچوب نظری مستحکم برای هدایت پژوهش و تبیین جایگاه مطالعه حاضر در میان تحقیقات پیشین است.

تعاریف نظری

خط‌مشی‌گذاری عمومی:خط‌مشی عمومی به‌عنوان تصمیمات هدفمندی تعریف می‌شود که برای دستیابی به اهداف مشخص در نظام‌های سیاسی امروزین، طراحی و اجرا می‌شوند. این خط‌مشی‌ها ترکیبی از روحیه ملی، افکار عمومی، و خواسته‌های اداری–قانونی هستند که توسط تصمیم‌گیرندگان دولتی اولویت‌بندی و انتخاب

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌شوند. فرایند صحیح خط‌مشی‌گذاری می‌تواند منجر به استفاده بهینه از منابع محدود و کاهش ناهماهنگی‌های میان عناصر مختلف اجرایی شود (شهیدی و کاویانی[1]، ۲۰۲۱).

از دیدگاه نظری، الگوهای مختلفی برای تحلیل خط‌مشی‌گذاری وجود دارد. الگو عقلانی۲ به تصمیم‌گیری بر اساس تحلیل‌های دقیق و اطلاعات کامل تأکید دارد. در مقابل، نظریه تدریجی‌گرایی۳ با رویکردی عملی‌تر، تغییرات کوچک و مداوم را توصیه می‌کند (لیندبلوم[4]،۱۹۵۹). برای مطالعه حاضر، چارچوب چندسطحی۵ انتخاب شده است که بر هماهنگی میان سطوح مختلف حکمرانی و مشارکت نهادهای متنوع تأکید دارد (شارپف[6]،۱۹۹۷). همچنین، در پژوهش‌های اخیر، خط‌مشی‌های شواهدمحور که بر مبنای تحلیل داده‌ها و یافته‌های علمی تدوین می‌شوند، اهمیت بیشتری یافته‌اند (هد[7]،۲۰۱۶). مطالعات اخیر نشان می‌دهند که رویکردهای تلفیقی و چندبعدی در خط‌مشی‌گذاری عمومی، مانند خط‌مشی‌های بین‌نهادی و حکمرانی انعطاف‌پذیر، تأثیر بیشتری در کاهش نابرابری‌های اجتماعی دارند (کرنی و هیکیلا[8]، ۲۰۲۱ و هالزورث و همکاران[9]، ۲۰۱۸). بررسی ادبیات در زمینه اجرای خط‌مشی‌های عمومی نشان می‌دهد اهمیت اجرای خط مشی ها به اندازه تصمیم‌گیری و تدوین خط‌مشی‌های عمومی در مدیریت است اما بسیاری از اوقات، عملکرد واقعی دولت‌ها که حاصل اجرای خط‌مشی‌های عمومی است با آن چه که در زمان تدوین خط‌مشی‌ها وعده داده بودند، تفاوت بسیار دارد و بسیاری از خط‌مشی‌های دولتی در مرحله اجرا شکست می‌خورند. (فیلیندرا و گودمن[10] ، ۲۰۱۹).

حاشیه‌نشینی: حاشیه‌نشینی به‌عنوان یکی از جلوه‌های آشکار فقر شهری و اقتصادی، ناشی از تمرکز اقشار کم‌درآمد در مناطق پیرامونی شهرها یا حتی در داخل شهرهاست. این پدیده، که با عناوینی چون سکونتگاه‌های غیررسمی، زاغه‌نشینی، و محله‌های خودرو شناخته می‌شود، بیشتر به دلیل رشد سریع جمعیت شهری و کمبود امکانات و زیرساخت‌های لازم به وجود آمده است (انزو و همکاران[11]، ۲۰۱۹؛ نیراج و ساندرا[12]، ۲۰۱۹). کلینارد حاشیه‌نشینی را به‌عنوان یک خرده‌فرهنگ با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای خاص تعریف می‌کند که در محله‌هایی با سطح پایین بهداشت، انحرافات اجتماعی و ویژگی‌هایی همچون انزوای اجتماعی شکل می‌گیرد. از دیدگاه وی، این پدیده عمدتاً در مناطق پیرامونی شهرهای بزرگ مشاهده می‌شود و محصول رشد نامتوازن شهری، تمرکز سرمایه در بخش‌های خاص، افزایش بیکاری در مناطق روستایی و فروپاشی ارتباطات سنتی و خانوادگی است (رئیس‌دانا، ۲۰۰۱).

---

[1] Shahidi&kaviani
[2] Rational Policy Model
[3] The theory of incrementalism
[4] Lindblom
[5] Multi-Level Governance
[6] Scharpf
[7] Head
[8] Cairney & Heikkila
[9] Hallsworth et al.
[10] Filindra and Goodman
[11] Enzo F. et al.
[12] Neeraj, D., and Sandra, C

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

علاوه بر عوامل اقتصادی، خط‌مشی‌های ناعادلانه و توزیع نابرابر منابع، این وضعیت را تشدید می‌کنند.در این چارچوب، حاشیه‌نشینی نه تنها نشان‌دهنده چالش‌های اجتماعی است، بلکه آثار منفی آن بر توسعه شهرها و افزایش جرم و بیکاری نیز قابل‌توجه است. خط‌مشی‌گذاری مؤثر باید بر توانمندسازی ساکنان این مناطق، بهبود زیرساخت‌ها، و ایجاد فرصت‌های برابر متمرکز باشد. این پدیده عمدتاً ناشی از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی است که در قالب مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها و نبود دسترسی به خدمات اساسی خود را نشان می‌دهد. خط‌مشی‌های مؤثر باید بر توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین، بهبود زیرساخت‌ها، و ایجاد فرصت‌های برابر تأکید کنند (نیراس و ساندرا [1]،۲۰۱۹).

نابرابری: نابرابری به توزیع نابرابر منابع، فرصت‌ها، یا دستاوردها در یک جامعه یا بین گروه‌های مختلف اشاره دارد که می‌تواند در حوزه‌های مختلفی از جمله اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، و سیاسی مشاهده شود (سن[2]،۱۹۹۲). این مفهوم اغلب در چارچوب عدالت اجتماعی و توسعه پایدار مورد بررسی قرار می‌گیرد. به گفته پیکتی (پیکتی[3]، ۲۰۱۴)، نابرابری اقتصادی ناشی از تمرکز سرمایه در دست گروه‌های خاصی است که از طریق سازوکارهای بازار و سیاست‌های اقتصادی تشدید می‌شود.نظریه‌پردازانی مانند کاستلز، نابرابری را نتیجه توزیع ناعادلانه ثروت، درآمد، و دارایی میان گروه‌ها می‌دانند. از سوی دیگر، نظریه توزیع عادلانه ۴که توسط جان رالز[5] مطرح شده است، بر ایجاد فرصت‌های برابر برای تمامی اقشار جامعه تأکید دارد (رالز،۱۹۷۱).

نابرابری و فقر مفاهیمی مرتبط اما متمایز هستند؛ در حالی که فقر به کمبود منابع اشاره دارد، نابرابری شرایطی نسبی است که دسترسی گروه‌ها را به منابع تحت تأثیر قرار می‌دهد. کاهش نابرابری نیازمند خط‌مشی‌هایی است که برابری فرصت‌ها را تضمین کرده و از اقشار آسیب‌پذیر حمایت کنند.

فقر:فقر یک پدیده چندبعدی است که شامل ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه زندگی (فقر مطلق) و همچنین شرایط نسبی نامناسب در جامعه (فقر نسبی) می‌شود. از نظر سن نظریه‌های مرتبط با فقر به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

نظریه کاستی‌های فردی: این نظریه، فقر را نتیجه ضعف‌ها و ناتوانی‌های فردی می‌داند. اسکار لوئیس[6] (۱۹۶۱) در نظریه فرهنگ فقر، به نقش الگوهای فرهنگی در تداوم فقر تأکید دارد. این دیدگاه به دلیل نادیده گرفتن عوامل ساختاری مورد انتقاد است.

نظریه ساختاری فقر: این نظریه معتقد است که ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، مسئول ایجاد و تداوم فقر هستند. بر این اساس، جامعه و نحوه سازماندهی آن عامل اصلی فقر است، نه ویژگی‌های فردی (سن،۱۹۹۹).

نظریه ساختاری فقر، به دلیل تمرکز آن بر اصلاح ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش انتخاب شده است. خط‌مشی‌های مؤثر برای کاهش فقر باید بر رفع عوامل ساختاری و تقویت

[1] Nierras & Sandra
[2] Sen
[3] Piketty
[4] Distributive Justice
[5] Rawls
[6] Lewis

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

توانمندی‌های اجتماعی و اقتصادی افراد تمرکز کنند. بر اساس نظریه ساختاری فقر ، خط‌مشی‌های اجتماعی باید بر توانمندسازی افراد و ایجاد فرصت‌های برابر تمرکز کنند (بانرجی و دوفلو،۲۰۲۱).

بر اساس مرور ادبیات نظری، پژوهش حاضر از چارچوب چندسطحی برای خط‌مشی‌گذاری، نظریه توزیع عادلانه برای نابرابری، و نظریه ساختاری فقر به‌عنوان چارچوب‌های نظری بهره می‌گیرد. این انتخاب‌ها به دلیل انطباق با شرایط اجتماعی، اقتصادی، و ساختاری ایران صورت گرفته است.

مرور ادبیات تجربی

پیشینهٔ پژوهش

۱. مطالعات داخلی

مرادیان نیری و رفیعی علوی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر بایسته‌های بودجه فقرزدا» انجام شده است، به بررسی نقش بودجه در فقرزدایی و ارائه راهبردهایی برای تدوین بودجه‌ای مؤثر در این زمینه پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از روش فراتحلیل و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به‌صورت میان‌رشته‌ای، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ممکن برای تهیه و تنظیم بودجه‌ای فقرزدا را شناسایی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برای نیل به فقرزدایی و بسط عدالت از طریق ابزار بودجه، می‌توان به راهبردهایی نظیر شفافیت بودجه، منطقه‌گرایی و محلی‌سازی، توزیع عادلانه و کاهش یارانه‌های پنهان، و هماهنگ‌سازی نهادهای فقرزدا اشاره کرد. نویسندگان تأکید می‌کنند که هر یک از این راهبردها نیازمند مطالعه و بررسی مستقل است و برای اجرای آن‌ها باید به جغرافیای سیاسی و اداری دولت‌ها و نظریه اقتصادی حاکم بر نظام حقوقی و مدیریتی آن‌ها توجه شود.

ملکی (۱۴۰۲) به «بررسی جامعه‌شناختی سیاست‌های مرتبط با کاهش فقر و نابرابری اجتماعی در برنامه‌های توسعه، با تمرکز بر ارائه پیشنهادها و راهکارهایی برای تدوین برنامه هفتم توسعه »، پرداخته است. یافته‌های او نشان می‌دهد: ۱) به‌جز برنامه چهارم توسعه، هیچ خط‌مشی مشخص و استانداردی برای تعریف خط فقر که مبنای سیاست‌گذاری باشد، وجود ندارد؛ ۲) یکی از چالش‌های اصلی برنامه‌های توسعه در حوزه کاهش فقر، مشکل در شناسایی دقیق افراد فقیر است؛ ۳) رویکرد غالب در برنامه‌های فقرزدایی کشور بیشتر بر رفع پیامدهای فقر متمرکز بوده و به علل اصلی آن توجه کمتری شده است؛ ۴) موضوع آسیب‌پذیری در این برنامه‌ها به طور جدی مورد بررسی قرار نگرفته است.

قهرمان‌نوه‌سی و شایگان(۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌گذاری در جهت کاهش نابرابری و توزیع عادلانه درآمد» به بررسی عوامل تأثیرگذار بر اجرای موفق خط‌مشی‌های کاهش نابرابری و توزیع عادلانه درآمد پرداخته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش‌های تحلیلی و رتبه‌بندی، نشان داده است که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر وضعیت اقتصاد و توزیع عادلانه درآمد، توسعه اقتصادی است. پس از آن، خط‌مشی‌های اقتصادی، نوع درآمد، ساختار بازار و سایر عوامل مرتبط در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این نتایج اهمیت توسعه اقتصادی و تدوین خط‌مشی‌های مناسب را در کاهش نابرابری و بهبود توزیع درآمد برجسته می‌کند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

صالحی و همکاران (۱۴۰۱) «ایفای نقش مطلوب مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در راستای توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین»، را مورد مطالعه قرار دادند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند شکل‌گیری جامعه مدنی توانمند و موثر، افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه، و مشارکت فعال شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی (با هدف توانمندسازی افراد حاشیه‌نشین) از مهم‌ترین عناصر در جهت تقویت توانمندی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین به شمار می‌روند.

قره داغی و محمدی (۱۴۰۰)، مطالعه‌ای در مورد «موانع اجرایی خط‌مشی‌های عمومی‌با رویکرد حکمرانی شهری»، انجام دادند. در این تحقیق ۳۷ شاخص و ۶ مانع اصلی شناسایی شد. پس از تجزیه و تحلیل با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و توجه به طیف لیکرت در پرسشنامه خبرگان و روش میانگین هندسی برای اولویت بندی نهایی مؤلفه‌ها نتایج نشان داد معیار عدم مشارکت در اولویت اول؛ عدم پاسخگویی، دوم؛ بی عدالتی، سوم؛ قانون گریزی، چهارم؛ روزمرگی، پنجم و فرد گرایی در اولویت ششم قرار گرفت.

۲. مطالعات خارجی

آنتونی آتکینسون[1] (۲۰۲۲) با «بررسی سیستم‌های مالیاتی و خط‌مشی‌های درآمدی در کشورهای توسعه‌یافته»، به این نتیجه می‌رسد که اصلاحات مالیاتی و توزیع مجدد درآمدها می‌تواند به کاهش نابرابری‌های درآمدی و فقر کمک کند. وی پیشنهاد می‌کند که دولت‌ها باید با طراحی خط‌مشی‌های مالیاتی تصاعدی، برابری را در سطح اجتماعی و اقتصادی ارتقا دهند.

ابیجیت بانرجی و استر دوفلو[2] (۲۰۲۱) در پژوهش خود به «نقش خط‌مشی‌های حمایت اجتماعی در کاهش فقر و نابرابری » پرداخته‌اند. آنان بر این باورند که خط‌مشی‌های حمایتی مانند انتقال‌های نقدی و بیمه بیکاری می‌توانند به‌طور مؤثر در کاهش فقر و افزایش عدالت اجتماعی مؤثر باشند. این نتایج در راستای تأکید بر اهمیت توسعه سیستم‌های امنیت اجتماعی برای اقشار آسیب‌پذیر قرار می‌گیرد.

گارسیلازو[3] و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان « نابرابری‌های منطقه ای: علل و درمان»، دریافتند که نابرابری‌های منطقه ای قابل توجهی درخصوص درآمد و ثروت در کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی وجود دارد و میزان آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

ژان درز و آمارتیا سن[4] (۲۰۲۰) در تحقیق خود به « تأثیرات فقر و نابرابری در کشورهای در حال توسعه پرداخته و بر ضرورت خط‌مشی‌های جامع و فرابخشی برای کاهش این مشکلات» تأکید کرده‌اند. آنان به‌ویژه بر بهبود شرایط آموزش، بهداشت و دسترسی به فرصت‌های اقتصادی تأکید می‌کنند که می‌تواند زمینه‌ساز کاهش نابرابری‌ها و فقر در این جوامع باشد

پارامد وهارپال[5] (۲۰۲۰) در مقاله ای با عنوان «ارزیابی راهبردهای کاهش فقر در یک کشور در حال توسعه»، به ارزیابی راهبردهای کاهش فقر در یک کشور در حال توسعه پرداختند. نتایج حاصل از شبیه سازی‌های مبتنی

[1] Atkinson
[2] Banerjee & Duflo
[3] Garcilazo, E., Moreno-Monroy, A., & Martins, J.O.
[4] Drèze & Sen
[5] Paramed, & Harpal.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بر خوشه‌بندی فازی سی–میانگین [1] نشان می‌دهد که برای ریشه‌کن، کردن فقر، ضروری است که تأمین مالی خرد از طریق سازمان‌های توانمند و باکیفیت در جامعه انجام شود. همچنین، باید با تقویت توانمندی‌های افراد فقیر و ایجاد شبکه‌های حمایتی اجتماعی، از اقشار آسیب‌پذیر حمایت شود. علاوه بر این، حکمرانی خوب در سازمان‌های اجتماعی نقشی اساسی در تحقق این هدف دارد.

قوش [2] (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی «تأثیرات متقارن و نامتقارن نوسانات رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد در کشورهای برجسته انجمن ملل آسیای جنوب شرقی (مانند مالزی، اندونزی، تایلند، سنگاپور و فیلیپین)» ، پرداخت. این مطالعه با استفاده از روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی و در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ انجام شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که یک رابطه‌ی هم انباشتگی بلندمدت بین نابرابری درآمد و نوسانات رشد، با تأثیر مثبت و معنادار، وجود دارد.

هودسون و همکاران [3] (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «نقص خط‌مشی و شکاف اجرای خط‌مشی‌ها: آیا برنامه‌های پشتیبانی از خط‌مشی‌ها می‌توانند کمک کنند؟»، نشان دادند که در سامانه‌های پیچیده سازمانی امروزی، مشخص نیست که چگونه می‌توان از طراحی و اجرای خط‌مشی‌های مؤثر اطمینان حاصل کرد لذا دولتها به روشهایی که می‌توانند فرایند خط‌مشی‌گذاری بخصوص مرحله اجرا را تقویت و پشتیبانی کند متمرکز می‌شوند. توجه به عوامل اصلی عدم موفقیت خط‌مشی‌ها، بررسی رویکردهای مختلف برای حمایت از خط‌مشی‌ها و شناسایی پیام‌های کلیدی برای متخصصان خط‌مشی از مهمترین جنبه‌های قابل توجه دولتها می‌باشد.

اشکاریتسا [4] (۲۰۱۸) «فرآیند اجرای راهبرد توسعه مدیریت دولتی در کشور کرواسی را در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰»، تحلیل کرده است. در این پژوهش، با شناسایی چالش‌های اساسی مدیریت دولتی و موانع اجرای خط‌مشی‌ها، به کاستی‌هایی پرداخته شده است که اجرای صحیح خط‌مشی‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. همچنین، پیش‌نیازهای ضروری برای نوسازی مدیریت دولتی در کرواسی ارائه شده است.

مطالعات مرور شده هرچند به درک عمیق‌تر از موضوعاتی مانند فقر، نابرابری، حاشیه‌نشینی و چالش‌های خط‌مشی‌گذاری کمک می‌کنند، اما همچنان محدودیت‌هایی دارند که نیاز به توجه بیشتر در پژوهش‌های آینده دارد. به‌طور مشخص:

تمرکز بر ابعاد خاص بدون ارائه رویکرد جامع: بسیاری از مطالعات، مانند تحقیق ملکی (۱۴۰۲)، بر جنبه‌های خاصی از مسئله فقر، مانند رفع پیامدها یا شناسایی فقرا تمرکز کرده‌اند. این در حالی است که برای دستیابی به کاهش پایدار فقر، نیاز به بررسی جامع‌تر علل ساختاری و تدوین خط‌مشی‌هایی چندبعدی وجود دارد. عدم توجه به رویکرد یکپارچه می‌تواند باعث تکرار مشکلات در خط‌مشی‌های آینده شود.

[1] Fuzzy C-Means
[2] Ghosh
[3] Hudson & et al.
[4] Škarica

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ضعف در ارائه راهکارهای عملیاتی: مطالعاتی نظیر تحقیق قره‌داغی و محمدی (۱۴۰۰) و صالحی و همکاران (۱۴۰۱) به شناسایی موانع یا عوامل کلیدی توانمندسازی پرداخته‌اند، اما در ارائه راهکارهای عملیاتی و قابل اجرا برای غلبه بر این موانع ضعف دارند. به‌ویژه در زمینه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، نیاز به چارچوب‌های اجرایی و مشخص‌تر احساس می‌شود.

عدم تطابق با شرایط ایران در پژوهش‌های بین‌المللی: پژوهش‌های خارجی مانند تحقیق گارسیلازو و همکاران (۲۰۲۱) یا پارامد و هارپال (۲۰۲۰)، اگرچه نتایج مفیدی ارائه داده‌اند، اما به دلیل تفاوت‌های ساختاری، فرهنگی و اجتماعی کشورها، تطبیق این نتایج با شرایط ایران چالش‌برانگیز است. استفاده از تجربیات بین‌المللی نیازمند تحلیل دقیق‌تر تطابق آن‌ها با بستر محلی است.

کمبود تمرکز بر مرحله اجرای خط‌مشی‌ها: یکی از چالش‌های اصلی که هودسون و همکاران (۲۰۱۹) به آن اشاره کرده‌اند، نقص در مرحله اجرای خط‌مشی‌ها است. با این حال، مطالعات داخلی کمتر به این مسئله پرداخته‌اند و اغلب به طراحی یا تدوین خط‌مشی‌ها بسنده کرده‌اند. این شکاف می‌تواند منجر به ناکامی خط‌مشی‌ها در دستیابی به اهداف تعیین‌شده شود.

پژوهش‌های آتی باید بر رفع این محدودیت‌ها متمرکز شوند و در این راستا، توسعه رویکردهای جامع و چندبعدی، تدوین راهکارهای اجرایی مبتنی بر شواهد، و تقویت مراحل اجرای خط‌مشی و ارزیابی اثربخشی آن‌ها در بسترهای محلی و با در نظر گرفتن ویژگی‌های بومی، به‌عنوان اولویت‌های اساسی مورد توجه قرار گیرند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری برای مبارزه با نابرابری، کاهش فقر و حاشیه‌نشینی در جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود، زیرا علاوه بر توسعه دانش در این حوزه، نتایج آن می‌تواند به سازمان‌ها و نهادهای مرتبط در تدوین و اجرای خط‌مشی‌های مؤثر کمک کند.

از نظر فلسفی، این پژوهش در چارچوب تفسیری انجام شده است که تأکید دارد پدیده‌های اجتماعی پیچیده و وابسته به زمینه‌های خاص خود هستند و نمی‌توان آن‌ها را صرفا به‌صورت کمی بررسی کرد. به همین دلیل، پژوهش‌های کیفی برای درک بهتر فرآیندهای اجتماعی و انسانی به کار گرفته می‌شوند. رویکرد روش‌شناختی این پژوهش کیفی و دارای ماهیت اکتشافی است، زیرا طراحی الگوی پیشنهادی نیازمند تحلیل داده‌های اولیه و بررسی عمیق مسئله است. در این پژوهش، تحلیل داده‌ها بر مبنای نظریه داده‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند انجام شده است که به پژوهشگر اجازه می‌دهد بر اساس داده‌های تجربی، نظریه‌ای بومی و متناسب با شرایط خاص جامعه ایران ارائه دهد. نظریه داده‌بنیاد به‌ویژه زمانی مفید است که پژوهشگر قصد دارد الگویی جدید را برای پدیده‌ای پیچیده طراحی کند و دانش نظری محدودی درباره آن وجود دارد. از آنجا که در حوزه خط‌مشی‌گذاری برای کاهش فقر و نابرابری، به دلیل ماهیت پویای این مسائل و تأثیرات متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، روش‌های سنتی کمّی قادر به ارائه بینش‌های عمیق و کاربردی نیستند، این روش انتخاب شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

این روش امکان کشف روابط میان مفاهیم، ایجاد مقوله‌ها و تدوین یک مدل مفهومی جامع را فراهم می‌آورد که بتواند در تدوین و اجرای سیاست‌های مؤثر برای کاهش فقر و نابرابری مورد استفاده قرار گیرد.

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی، فقر و نابرابری گردآوری شده است. تحلیل داده‌های کیفی از طریق سه مرحله شناسه‌گذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت.

جامعه آماری شامل مدیران، تصمیم‌سازان و خبرگان دانشگاهی آشنا با موضوع پژوهش است. نمونه‌گیری به روش هدفمند و گلوله‌برفی انجام شد و حجم نمونه بر اساس اصل اشباع نظری تعیین گردید. در نهایت، با ۱۲ نفر از خبرگان مصاحبه انجام شد. معیارهای انتخاب خبرگان شامل داشتن پژوهش‌های مرتبط، انتشار مقالات معتبر، سابقه تدریس یا مدیریت اجرایی در حوزه فقر و نابرابری بود.

روایی ابزارهای پژوهش از طریق بررسی محتوایی توسط اساتید و خبرگان و همچنین روش سه‌سوسازی[1] تأیید شد. سه‌سوسازی یکی از روش‌های متداول در پژوهش‌های کیفی است که به افزایش اعتبار و اعتمادپذیری داده‌ها کمک می‌کند. در این پژوهش، سه‌سوسازی در سه سطح زیر به کار گرفته شد:

۱. سه‌سوسازی داده‌ها : اطلاعات پژوهش از چندین منبع مختلف شامل مصاحبه‌های کیفی، تحلیل اسناد رسمی و بررسی مطالعات پیشین گردآوری شد تا یافته‌ها از زوایای مختلف بررسی و دقت نتایج افزایش یابد.

۲. سه‌سوسازی روشی :از دو روش متفاوت برای گردآوری داده‌ها استفاده شد: مصاحبه‌های کیفی که امکان استخراج داده‌های عمیق را فراهم کرد. تحلیل اسناد که امکان ارزیابی داده‌های ثانویه و مقایسه نتایج را مهیا نمود. ترکیب این دو روش به افزایش جامعیت یافته‌ها کمک کرد.

۳. سه‌سوسازی محقق :تحلیل داده‌ها توسط دو پژوهشگر مستقل انجام شد تا از برداشت‌های یک‌جانبه یا سوگیری احتمالی جلوگیری شود. برای سنجش میزان توافق در تحلیل داده‌ها، از ضریب کاپای کوهن استفاده شد.

پایایی پژوهش نیز به روش‌های زیر ارزیابی شد:

در مصاحبه‌ها: پایایی داده‌های کیفی از طریق روش توافق میان شناسه‌گذاران بررسی شد.

در تحلیل اسناد: برای اطمینان از ثبات نتایج، تحلیل اسناد توسط (تعداد) پژوهشگر مستقل انجام و نتایج مقایسه شد.

در کلیت پژوهش: از روش آزمون–بازآزمون استفاده شد که طی آن، بخشی از داده‌ها در بازه زمانی (یک ماه بعد از تحلیل اولیه) مجدداً بررسی شد تا پایداری تحلیل‌ها تأیید گردد. تحلیل داده‌ها، براساس نظریه داده بنیاد انجام گرفته شد که طی آن، ۱۶۸ شناسه اولیه شناسایی شده و پس از پالایش، ۱۳۰ شناسه غیرتکراری استخراج گردید. در ادامه، این شناسه‌ها به ۱۸ مقوله اصلی کاهش یافتند.

[1] Triangulation

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در این پژوهش، تمامی اصول اخلاقی پژوهش رعایت شده است. پیش از آغاز مصاحبه‌ها، رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان اخذ شد و اطلاعات آنان به‌صورت محرمانه نگهداری گردید. داده‌های گردآوری‌شده صرفاً برای اهداف پژوهشی مورد استفاده قرار گرفتند.

روش‌شناسی انتخاب‌شده با هدف اطمینان از جامعیت، دقت و قابلیت استناد نتایج پژوهش تدوین شده و تلاش شده است تا یافته‌های پژوهش به‌صورت معتبر و کاربردی ارائه گردد.

یافته‌های پژوهش

شناسه‌گذاری:

شناسه‌گذاری به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن، نزدیک‌ترین مفهوم به کوچک‌ترین جزءِ با معنی هر بخش از داده‌های جمع‌آوری‌شده اختصاص داده می‌شود. به طور کلی، هر مفهوم از ابعاد مختلفی تشکیل شده است و هر بعد شامل طیفی از ویژگی‌ها است. در این پژوهش، با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد، تحلیل داده‌های کیفی جمع‌آوری‌شده در سه مرحله شامل شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری، و شناسه‌گذاری انتخابی صورت گرفته است.

بخش اصلی کار در اینجا تعیین و شناسایی مفاهیم بودند که توسط شناسه‌گذاری باز انجام گشت. در این مطالعه با بررسی مجموعه داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها مجموعه ای از مقوله‌ها در حین شناسه‌گذاری باز ایجاد شد. در مرحله بعد و با شناسه‌گذاری محوری یکی از این مقوله‌ها (مقوله اصلی) در هر گروه به عنوان محور روند مطالعه اکتشافی قرار گرفت و همه مقوله‌های دیگر آن دسته به طور نظری به آن مرتبط شد. شناسه‌گذاری انتخابی بیانی از فرآیند پژوهش، نحوه یکپارچه‌سازی مقوله‌ها و تهذیب آنها و به دیگر بیان، سیر روند پژوهش است. هنر اصلی نظریه داده‌بنیاد در کشف و تعریف مفاهیم جدید نهفته است، به‌جای آنکه صرفاً ارتباطی میان داده‌ها و مفاهیم از پیش تعریف‌شده ایجاد کند. در این پژوهش، برای انجام شناسه‌گذاری باز، پژوهشگر داده‌های گردآوری‌شده را چندین‌بار و با دقت مرور کرده و از جنبه‌های مختلف به آن‌ها توجه کرده است. در این مرحله، هدف شناسایی مفاهیم پنهان در داده‌ها بود. این مرحله "شناسه‌گذاری باز" نامیده می‌شود زیرا پژوهشگر بدون محدودیت به شناسایی و نام‌گذاری مفاهیم می‌پردازد و هیچ سقفی برای تعداد آن‌ها در نظر نمی‌گیرد. شناسه‌گذاری باز با تمرکز بر شکستن داده‌های گردآوری‌شده به کوچک‌ترین واحدهای مفهومی انجام می‌شود، و این فرآیند در این تحقیق به شکل مؤثری پیاده‌سازی شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

گام اول:

جدول ۱: مفاهیم، مقوله های اصلی استخراج‌شده در مرحله شناسه‌گذاری باز

ردیف	شناسه گذاری باز	شناسه گذاری مقوله ای (مقوله اصلی)
۱	ارائه تعاریف دقیق و شفاف از اصطلاحات و مفاهیم کلیدی	هدف‌محوری
۲	تبیین روشن اهداف و چگونگی رفع نابرابری‌ها	
۳	تعیین اولویت‌های اهداف بر اساس نیازهای جامعه	
۴	ارتباط اهداف با نیازهای اجتماعی در مناطق محروم	
۵	ارائه چارچوب نظری برای اهداف خط‌مشی‌گذاری	
۶	ایجاد ارتباط میان اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت	
۷	توضیح تأثیر اهداف در بهبود عدالت اجتماعی	
۸	تفکیک و هماهنگ‌سازی اهداف خط‌مشی	
۹	تبیین نقش شفاف اهداف در خط‌مشی‌گذاری	
۱۰	بررسی موفقیت اهداف در خط‌مشی‌های پیشین	
۱۱	شناسایی و تعریف دقیق شاخص‌های عدالت اجتماعی	شاخص محوری
۱۲	پایش مستمر شاخص‌های توزیع منابع	
۱۳	ارزیابی دوره‌ای تأثیر خط‌مشی‌ها بر شاخص‌ها	
۱۴	توسعه شاخص‌های نوین برای تحلیل نابرابری‌ها	
۱۵	تعریف استانداردهای شاخص برای مقایسه منطقه‌ای	
۱۶	اندازه‌گیری کیفیت خدمات عمومی بر اساس شاخص‌ها	
۱۷	شناسایی و تعریف دقیق گروه‌های ذینفع و جمعیت هدف	
۱۸	پایش دوره‌ای شاخص‌ها برای بهبود مستمر	
۱۹	تعریف شاخص‌های شفاف برای نظارت بر عملکرد	
۲۰	ایجاد شاخص‌های کیفی برای ارزیابی عدالت اجتماعی	
۲۱	تعریف شاخص‌های شفاف برای سنجش موفقیت خط‌مشی‌ها	
۲۲	تدوین معیارهای عینی برای تخصیص منابع	
۲۳	شناسایی موانع سیاسی در تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها	چالش کاوی
۲۴	بررسی ضعف‌های مدیریتی و تأثیر آن بر پیشبرد خط‌مشی‌ها	
۲۵	تحلیل موانع فرهنگی–اجتماعی مرتبط با پذیرش خط‌مشی‌ها	
۲۶	بررسی تأثیر کاغذبازی پیچیده بر اجرای خط‌مشی‌ها	
۲۷	تحلیل تأثیر توزیع ناعادلانه منابع بر محدودیت‌ها	
۲۸	شناسایی نقاط ضعف در ساختارهای نظارتی و پایش خط‌مشی‌ها	
۲۹	ارزیابی تأثیر اختلافات منطقه‌ای و محلی بر موفقیت خط‌مشی‌ها	
۳۰	شناسایی محدودیت‌های حقوقی در تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها	
۳۱	شناسایی مشکلات ارتباطی بین نهادها و ذینفعان	
۳۲	تحلیل تأثیر مقاومت نهادهای محلی در برابر خط‌مشی‌های ملی	
۳۳	بررسی موانع مالی ناشی از اولویت‌بندی نادرست بودجه‌ها	

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳۴	ارزیابی اثرات محدودیت‌های زمانی بر موفقیت خط‌مشی‌ها	
۳۵	ارزیابی نقش ضعف زیرساخت‌های فنی در ایجاد موانع	
۳۶	تحلیل داده‌های جمعیتی برای شناسایی نیازهای خاص	جمعیت شناسی
۳۷	برنامه‌ریزی براساس الگوهای جمعیتی در مناطق مختلف	
۳۸	شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر در میان جمعیت هدف	
۳۹	ارزیابی تأثیر خط‌مشی‌ها بر تغییرات جمعیتی	
۴۰	برنامه‌ریزی برای تأمین منابع بر اساس توزیع جمعیت	
۴۱	تحلیل الگوهای مهاجرت داخلی و تأثیر آن بر خط‌مشی‌ها	
۴۲	پیش‌بینی روندهای اجتماعی و اقتصادی برای دهه آینده	آینده پژوهی
۴۳	تحلیل داده‌های جهانی برای طراحی خط‌مشی‌های پایدار	
۴۴	تحلیل تأثیر تغییرات اقلیمی بر توزیع منابع	
۴۵	توسعه راهبردهای آینده‌نگر برای خط‌مشی‌گذاری بهتر	
۴۶	طراحی فرانامه‌های بلندمدت برای کاهش نابرابری‌ها	
۴۷	استفاده از فناوری‌های نوین در آینده‌پژوهی	
۴۸	تدوین استانداردهای کیفیت برای خدمات عمومی	کیفیت گرایی
۴۹	تعریف شاخص‌های کیفی برای سنجش موفقیت خط‌مشی‌ها	
۵۰	ارزیابی دوره‌ای کیفیت خدمات ارائه‌شده	
۵۱	ایجاد سامانه‌های پایش کیفیت برای خط‌مشی‌ها	
۵۲	بهبود فرآیندهای اجرایی برای ارائه خدمات بهتر	
۵۳	شناسایی و رفع نقاط ضعف در خدمات اجتماعی	
۵۴	تدوین سامانه‌های جمع‌آوری بازخورد از شهروندان	بازخوردمحوری
۵۵	تحلیل بازخوردهای دریافتی برای اصلاح خط‌مشی‌ها	
۵۶	ایجاد شبکه‌های ارتباطی برای ارائه نظرات عمومی	
۵۷	تنظیم خط‌مشی‌ها براساس بازخورد ذینفعان	
۵۷	استفاده از بازخوردها برای شناسایی نیازهای جدید	
۵۹	توسعه سامانه‌های شفاف برای اطلاع‌رسانی بازخوردها	
۶۰	تدوین قوانین و سازوکارهای اجرایی برای تضمین حقوق برابر و دسترسی عادلانه به خدمات عمومی	عدالت‌گستری
۶۱	تدوین و اجرای خط‌مشی‌های تنبیهی و تقویت نظام قضایی برای مقابله مؤثر با فساد	
۶۲	ترویج آموزش عدالت اجتماعی در مدارس و دانشگاه‌ها	
۶۳	ارزیابی تأثیر خط‌مشی‌های عدالت‌محور بر کاهش نابرابری‌ها و اصلاح خط‌مشی‌های ناکارآمد	
۶۴	تقویت چارچوب‌های حقوقی و اجرای خط‌مشی‌های عادلانه در توزیع منابع برای تحقق عدالت اجتماعی	
۶۵	شناسایی و اصلاح خط‌مشی‌های تبعیض‌آمیز برای تضمین رعایت حقوق اقلیت‌ها در فرآیند خط‌مشی‌گذاری	
۶۶	تعریف خط‌مشی‌های عملیاتی با اهداف قابل اندازه‌گیری	
۶۷	تعیین منابع مالی و انسانی موردنیاز برای هر مرحله از خط‌مشی	
۶۸	طراحی برنامه مرحله‌ای برای کاهش خطر اجرای خط‌مشی‌ها	
۶۹	تدوین فرآیندهای استاندارد برای اجرای برنامه‌ها در سطوح مختلف	

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۷۰	هماهنگی بین برنامه‌های ملی و منطقه‌ای برای جلوگیری از همپوشانی	برنامه محوری
۷۱	تنظیم جدول زمانی دقیق برای هر مرحله از برنامه	
۷۲	ارزیابی خطرهای بالقوه در برنامه‌های اجرایی	
۷۳	شناسایی ذینفعان کلیدی برای مشارکت در طراحی و اجرای برنامه‌ها	
۷۴	بازنگری و اصلاح برنامه‌ها براساس نتایج پایش و بازخوردها	
۷۵	استفاده از ابزارهای هوشمند برای مدیریت و نظارت بر برنامه‌ها	
۷۶	ارزیابی هزینه–فایده برنامه‌ها برای تضمین استفاده بهینه از منابع	
۷۷	طراحی راهبردهای پشتیبانی برای موارد بحرانی در اجرای برنامه‌ها	
۷۸	تطبیق برنامه‌ها با شرایط محیطی و تغییرات اجتماعی	
۷۹	ایجاد سازوکارهای پاسخگویی برای نظارت بر اجرای برنامه‌ها	
۸۰	کاهش هدررفت منابع در خط‌مشی‌گذاری	بهره‌وری
۸۱	افزایش کارایی منابع انسانی از طریق آموزش	
۸۲	تدوین سازوکارهایی برای بهره‌وری بهتر از منابع مالی	
۸۳	توسعه برنامه‌هایی برای کاهش هزینه‌های غیرضروری	
۸۴	بهینه‌سازی فرآیندهای اداری برای افزایش کارآمدی	
۸۵	ارزیابی دوره‌ای بهره‌وری خط‌مشی‌ها در کاهش نابرابری‌ها	
۸۶	استفاده از سامانه‌های نظارتی برای ارزیابی عملکرد	بازرسی و پایش
۸۷	شفاف‌سازی روند پایش برای ذینفعان	
۸۸	اصلاح خط‌مشی‌ها بر اساس نتایج پایش	
۸۹	ثبت بازخوردهای ذینفعان برای تحلیل و اصلاح برنامه‌ها.	مستندسازی
۹۰	استفاده از سامانه‌های هوشمند برای مستندسازی و اشتراک‌گذاری اطلاعات.	
۹۱	تهیه گزارش‌های تحلیلی برای ارزیابی تأثیرات خط‌مشی‌ها.	
۹۲	تدوین مستنداتی که تجربیات موفق بین‌المللی را در خط‌مشی‌گذاری منعکس کند.	
۹۳	مستندسازی نتایج پایش و ارزیابی به‌منظور شفافیت و بهبود.	
۹۴	جلب همکاری نهادهای غیردولتی برای اجرای خط‌مشی‌ها	حمایت جویی
۹۵	تشویق ذینفعان به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها	
۹۶	ایجاد اعتماد عمومی نسبت به فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری	
۹۷	تدوین راهبردهای تشویقی برای جلب حمایت مردمی	
۹۸	اطلاع‌رسانی مؤثر درباره خط‌مشی‌های حمایتی	
۹۹	ایجاد پویش‌های آموزشی برای ارتقای آگاهی عمومی	
۱۰۰	ایجاد ابزارهای هوشمند برای ارزیابی تأثیرات بلندمدت خط‌مشی‌ها	نوآوری
۱۰۱	توسعه روش‌های خلاقانه برای کاهش کاغذبازی	
۱۰۲	طراحی نمایه‌های برخط برای پایش شفاف شاخص‌ها	
۱۰۳	نوآوری در روش‌های ارتباطی با ذینفعان	
۱۰۴	بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در پایش خط‌مشی‌ها	
۱۰۵	طراحی سامانه‌های هوشمند برای توزیع منابع	
۱۰۶	ایجاد زیرساخت‌های هوشمند برای مشارکت عمومی	
۱۰۷	استفاده از یادگیری ماشینی برای پیش‌بینی تأثیرات خط‌مشی‌ها	

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۰۸	ایجاد سامانه‌های تعاملی برای دریافت بازخورد عمومی	
۱۰۹	ایجاد همکاری میان دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد	حمایت‌گری
۱۱۰	جلب حمایت مالی از سازمان‌های بین‌المللی	
۱۱۱	تقویت مشارکت فعال گروه‌های محلی	
۱۱۲	آموزش جوامع برای حمایت از خط‌مشی‌های عدالت‌محور	
۱۱۳	ترویج آگاهی عمومی درباره مزایای خط‌مشی‌های حمایتی	
۱۱۴	توسعه برنامه‌های حمایتی برای مناطق محروم	
۱۱۵	ایجاد ارتباطات مؤثر میان سازمان‌های دولتی و غیردولتی	شبکه سازی
۱۱۶	تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای انتقال تجربه	
۱۱۷	توسعه شبکه‌های محلی برای اجرای خط‌مشی‌ها	
۱۱۸	استفاده از فناوری‌های نوین برای هماهنگی بین‌سازمانی	
۱۱۹	تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای برای حل چالش‌های مشترک	
۱۲۰	تقویت شبکه‌های اجتماعی برای تسهیل در اجرای خط‌مشی‌ها	
۱۲۱	افزایش اعتماد عمومی	پایداری اجتماعی
۱۲۲	توسعه نظام رفاهی	
۱۲۳	ترویج عدالت اجتماعی	
۱۲۴	مدیریت تعارضات اجتماعی	
۱۲۵	توسعه زیرساخت‌ها	تقویت اقتصاد محلی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای
۱۲۶	آموزش مهارت‌های شغلی	
۱۲۷	تمرکززدایی اقتصادی	
۱۲۸	توزیع عادلانه خدمات	
۱۲۹	تقویت هویت محلی	
۱۳۰	افزایش امنیت شغلی	

گام دوم: شناسه‌گذاری محوری

در این قسمت، مقوله‌های اصلی با محورها پیوند داده می‌شوند و ذیل آن‌ها جای می‌گیرند که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲. شناسه‌گذاری محوری

محورها	مقولات اصلی
پدیده محوری	الگوی خط‌مشی‌گذاری مبارزه با نابرابری/فقرزدایی و مبارزه با حاشیه‌نشینی
شرایط علی	شبکه‌سازی/ نوآوری/ چالش کاوی/جمعیت‌شناسی
شرایط زمینه‌ای	شاخص محوری / کیفیت‌گرایی / آینده‌پژوهی/ مستندسازی
شرایط مداخله‌گر	بازرسی و پایش/ حمایت‌گری/ حمایت‌جویی
راهبردها	هدف‌محوری/برنامه‌محوری/بهره‌وری
پیامدها	عدالت‌گستری/ تقویت اقتصاد محلی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای/ پایداری اجتماعی/بازخوردمحوری

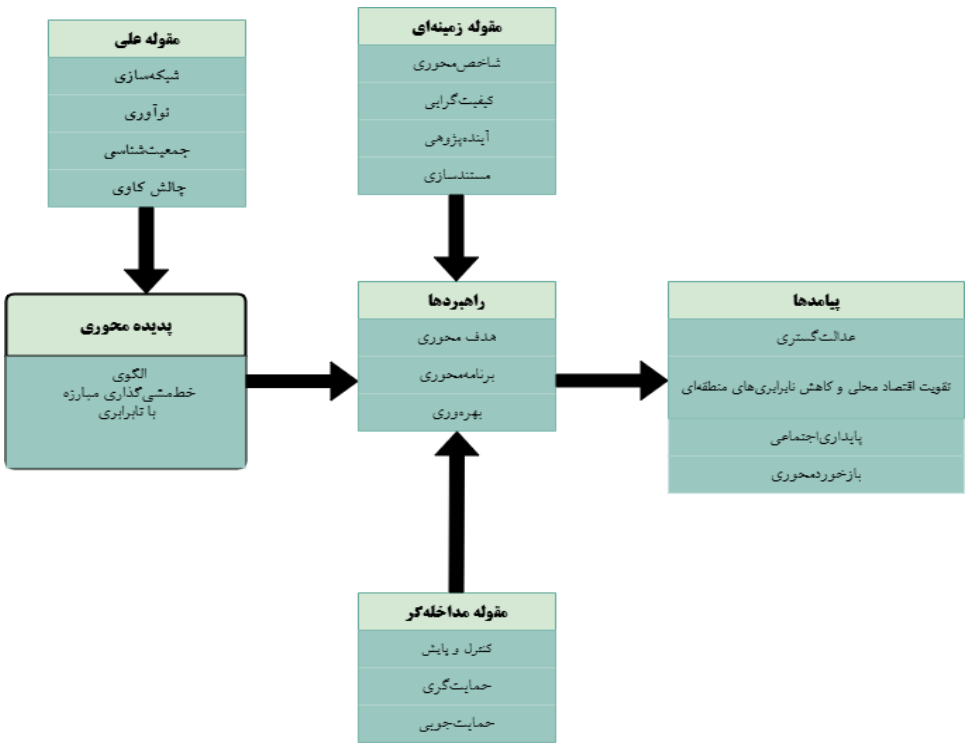
Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

گام سوم: شناسه‌گذاری انتخابی

هدف اصلی از نظریه‌پردازی، فراتر رفتن از توصیف و تبیین صرف متغیرها و دستیابی به یک نظریه یا نظریه منسجم است. در این راستا، فرآیند شناسه‌گذاری باید به گونه‌ای ساختارمند و منظم، مراحل مختلف تحلیل را به یکدیگر مرتبط کند. شناسه‌گذاری انتخابی که بر اساس نتایج حاصل از دو مرحله پیشین (شناسه‌گذاری باز و محوری) انجام می‌شود، گامی کلیدی در فرآیند نظریه‌پردازی محسوب می‌شود. در این مرحله، طبقه محوری به شکلی نظام‌مند با سایر مقوله‌ها و شناسه‌ها مرتبط شده و این ارتباطات در قالب یک الگو ارائه می‌گردد. همچنین، بخش‌هایی که نیاز به اصلاح یا توسعه دارند، شناسایی و بهبود می‌یابند (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶).

در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از الگوی مفهومی و ردیابی خط اصلی داستان، تلاش شده است تا نظریه‌ای داده‌بنیاد ارائه شود. این نظریه با استفاده از مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده و در چارچوب یک الگو نظام‌مند، به گونه‌ای طراحی شده است که نه‌تنها روابط بین مقوله‌ها را مشخص می‌سازد، بلکه زمینه لازم برای توسعه و اصلاح بخش‌های نیازمند بهبود را نیز فراهم می‌آورد.



شکل ۱- الگو نهایی شناسایی شده الگوی خط‌مشی‌گذاری برای مبارزه با نابرابری در جمهوری اسلامی ایران (منبع: یافته‌های تحقیق)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نابرابری اقتصادی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که جوامع امروزی با آن مواجه‌اند. پیامدهای آن شامل افزایش فقر، مهاجرت‌های اجباری، بی‌ثباتی اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی است. برای مقابله با این بحران، نیاز به یک چارچوب خط‌مشی‌گذاری علمی، نظام‌مند و داده‌بنیاد احساس می‌شد که تلاش شده در این پژوهش به آن پاسخ داده شود.

الگوی ارائه‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه یک نظام خط‌مشی‌گذاری هوشمند و چندلایه می‌تواند منجر به عدالت‌گستری، تقویت اقتصاد محلی، کاهش مهاجرت و پایداری اجتماعی شود. شرح مقوله‌های این چارچوب در ادامه بیان می‌شود:

بررسی داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که نابرابری محصول ترکیبی از عوامل ساختاری و عملکردی است. چهار عامل کلیدی در شکل‌گیری و تداوم این پدیده نقش دارند:

شبکه‌سازی ناکارآمد: عدم هماهنگی و تعامل مؤثر میان نهادهای دولتی، خصوصی و مدنی، منجر به شکست در اجرای خط‌مشی‌های عدالت‌محور می‌شود. در بسیاری از موارد، نهادهای متولی به‌جای همکاری، درگیر تعارضات سازمانی هستند که نتیجه‌ی آن، تضعیف اثربخشی خط‌مشی‌هاست.

عدم نوآوری در خط‌مشی‌گذاری: بسیاری از خط‌مشی‌های فقرزدایی و کاهش نابرابری، به دلیل فقدان استفاده از فناوری‌های نوین، تحلیل داده‌های کلان و الگوهای خلاقانه، کارایی لازم را ندارند. این خط‌مشی‌ها اغلب به‌جای پیشگیری، به درمان علائم می‌پردازند.

توزیع ناعادلانه‌ی منابع و فرصت‌ها: تمرکز منابع اقتصادی و فرصت‌های شغلی در مناطق شهری و عدم حمایت از مناطق محروم، موجب تشدید شکاف طبقاتی و محرومیت مناطق کمتر برخوردار شده است.

تحلیل نادرست چالش‌ها: خط‌مشی‌ها اغلب بدون شناخت دقیق از واقعیت‌های اجتماعی طراحی می‌شوند و در نتیجه، در مرحله‌ی اجرا اثربخشی لازم را ندارند. این امر منجر به هدررفت منابع و افزایش نارضایتی عمومی می‌شود.

اجرای موفق خط‌مشی‌های عدالت‌محور، نیازمند رعایت چند اصل کلیدی است:

شاخص‌محوری و داده‌محوری: طراحی خط‌مشی‌های کارآمد باید مبتنی بر شاخص‌های علمی و تحلیل‌های کمّی و کیفی باشد. استفاده از داده‌های واقعی و به‌روز، امکان ارزیابی دقیق‌تر و اصلاح مستمر خط‌مشی‌ها را فراهم می‌کند.

کیفیت‌گرایی در خط‌مشی‌گذاری: تمرکز صرف بر توزیع منابع مالی، بدون در نظر گرفتن کیفیت زندگی گروه‌های محروم، تأثیر پایداری نخواهد داشت. خط‌مشی‌ها باید به بهبود زیرساخت‌های آموزشی، بهداشتی و اقتصادی در مناطق محروم توجه کنند.

آینده‌پژوهی و نگاه بلندمدت: خط‌مشی‌های عدالت‌محور باید اثرات بلندمدت اجتماعی و اقتصادی را در نظر بگیرند و از خط‌مشی‌های مقطعی و واکنشی پرهیز کنند.

مستندسازی و یادگیری سازمانی: ثبت و تحلیل مستمر داده‌ها و بازخوردها، امکان اصلاح و بهبود مستمر خط‌مشی‌ها را فراهم می‌سازد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اجرای خط‌مشی‌های عدالت‌محور تحت تأثیر چند عامل کلیدی قرار دارد:

نظارت و کنترل مستمر: بدون وجود یک نظام نظارتی شفاف و مستقل، احتمال انحراف خط‌مشی‌ها از اهداف عدالت‌محور افزایش می‌یابد.

حمایت‌گری اجتماعی: نقش فعال سازمان‌های مدنی، رسانه‌ها و نهادهای مردمی در پیگیری خط‌مشی‌ها، می‌تواند از انحراف آن‌ها جلوگیری کرده و اثربخشی آن‌ها را تضمین کند.

منابع مالی و حمایت سیاسی: موفقیت اجرای خط‌مشی‌های عدالت‌محور وابسته به تخصیص منابع مالی پایدار و حمایت از سوی نهادهای تصمیم‌گیر است.

نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که اجرای موفق خط‌مشی‌های عدالت‌محور نیازمند سه راهبرد کلیدی است:

هدف‌محوری: خط‌مشی‌ها باید شفاف، مشخص و مبتنی بر اهداف کمّی و کیفی قابل‌اندازه‌گیری باشند.

برنامه‌محوری: تدوین ساختارهای اجرایی منظم و فرآیندهای پیاده‌سازی مرحله‌به‌مرحله، به تحقق نتایج ملموس کمک می‌کند.

بهره‌وری و کارایی: استفاده‌ی حداکثری از منابع موجود و کاهش هزینه‌های اجرایی، می‌تواند به افزایش اثربخشی خط‌مشی‌ها کمک کند.

اجرای صحیح این الگو پیشنهادی می‌تواند دستاوردهای زیر را در پی داشته باشد:

عدالت‌گستری: افزایش فرصت‌های برابر و کاهش نابرابری‌های ساختاری.

تقویت اقتصاد محلی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای: توسعه‌ی پایدار در مناطق محروم و کاهش تمرکزگرایی اقتصادی.

پایداری اجتماعی: افزایش انسجام اجتماعی، کاهش نارضایتی عمومی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان.

بازخوردمحوری: ارزیابی مستمر و اصلاح خط‌مشی‌ها بر اساس داده‌های واقعی و بازخوردهای اجرایی.

این الگو نشان می‌دهد که خط‌مشی‌گذاری برای کاهش نابرابری نباید ایستا باشد، بلکه باید از یک چارچوب علمی و پویا تبعیت کند که بتواند بر اساس تغییرات اجتماعی و اقتصادی، خود را اصلاح کند. ویژگی کلیدی این الگو، یادگیری و بهبود مستمر آن است. به این معنا که خط‌مشی‌ها نه‌تنها به‌صورت ایستا اجرا نمی‌شوند، بلکه بر اساس تحلیل داده‌های واقعی و بازخوردهای اجرایی، دائماً اصلاح و بهینه‌سازی می‌شوند.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فقر و نابرابری از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران و جهان محسوب می‌شوند. این دو معضل نه‌تنها کیفیت زندگی افراد را کاهش می‌دهند، بلکه موجب بحران‌های اجتماعی، افزایش جرم و جنایت، و نارضایتی عمومی می‌شوند. در ایران، علی‌رغم تدوین برنامه‌های توسعه‌ای مختلف، مشکلاتی همچون فقدان راهبردهای مؤثر، نبود هماهنگی میان نهادهای اجرایی، و تمرکز بر پیامدهای فقر به‌جای علل آن همچنان به

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

چشم می‌خورد. این پژوهش با هدف ارائه الگویی جامع برای خط‌مشی‌گذاری در حوزه کاهش فقر و نابرابری، از روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین بهره گرفته و با انجام مصاحبه‌های عمیق با ۱۲ نفر از خبرگان، الگوی پیشنهادی خود را ارائه کرده است.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان‌دهنده آن است که موفقیت خط‌مشی‌های فقرزدایی و مقابله با حاشیه‌نشینی در ایران مستلزم برقراری ارتباط منسجم و هماهنگ بین مرحله تدوین و اجراست. تجربه‌ها نشان داده است که حتی با وجود خط‌مشی‌گذاری هدفمند و جامع، عدم تعامل کارآمد میان متولیان تدوین و مجریان خط‌مشی می‌تواند به شکست یا ناکارآمدی اقدامات منجر شود؛ بنابراین، برقراری سازوکارهای یکپارچه به گونه‌ای که تدوین و اجرا در یک چرخه هماهنگ، مستمر و هم‌افزا شکل گیرد، ضرورت اساسی دارد.

افزون بر این، تقویت ابزارهای پایش و ارزیابی به‌صورت نظام‌مند و مستمر در طول فرآیند اجرای خط‌مشی‌ها، امری حیاتی محسوب می‌شود. این پژوهش نشان می‌دهد خروج از چارچوب حمایت‌های مقطعی و کوتاه‌مدت و حرکت جدی به سوی توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی گروه‌های آسیب‌پذیر (نظیر تقویت آموزش، اشتغال، خوداتکایی اقتصادی و تسهیل دسترسی به منابع)، اثربخشی و پایداری خط‌مشی‌های فقرزدایی را تضمین می‌کند. ظرفیت‌سازی مستمر و ایجاد بسترهایی برای استقلال بلندمدت اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان رویکرد جامع توانمندسازی، موجب جلوگیری از بازگشتِ گروه‌های هدف به چرخه فقر و وابستگی خواهد شد.

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که پیاده‌سازی خط‌مشی‌های پایدار در مبارزه با نابرابری، نیازمند توجه به مجموعه‌ای از شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر است. در این راستا، شبکه‌سازی فعال و مشارکت جدی نهادهای مختلف نظیر دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند مبنایی برای تعامل سازنده و هم‌سویی اهداف و راهبردها را فراهم آورد. نوآوری و چالش‌کاوی مستمر نیز به عنوان الزامات اساسی تدوین خط‌مشی مطرح است، چرا که نادیده گرفتن تغییرات دائمی محیطی و فقدان خلاقیت در برنامه‌ها معمولاً منجر به عدم اثربخشی و ناتوانی در مقابله با مشکلات پویایی همانند فقر خواهد شد. همچنین، مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی، از جمله ویژگی‌ها و نیازهای خاص مناطق و جمعیت‌های هدف، باید به دقت شناسایی و تحلیل شوند.

با توجه به شرایط زمینه‌ای، توجه به شاخص‌محوری و کیفیت‌گرایی در کنار آینده‌پژوهی و مستندسازی، موجب افزایش عینیت و قابلیت اجرایی برنامه‌ها شده و آنها را مبتنی بر مستندات واضح و پیش‌بینی‌های واقع‌بینانه قرار می‌دهد.

شرایط مداخله‌گر از جمله سازوکارهای بازرسی و پایش مستمر و همچنین حمایت‌گری و حمایت‌جویی از سوی نهادهای اجرایی، جامعه مدنی و افراد ذی‌نفع، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. از طرف دیگر، راهبردهایی همچون هدف‌محوری، برنامه‌محوری و بهره‌وری به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند تا از اتلاف منابع جلوگیری کرده و اقدامات را به سمت نتایج مطلوب و پایدار هدایت کنند.

براساس آنچه گفته شد، تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر که بر اساس نظریه داده‌بنیاد به شیوه اشتراس و کوربین و مصاحبه‌های عمیق با خبرگان صورت گرفت، منجر به شناسایی دقیق ۱۳۰ شناسه باز، ۱۸ مقوله و ۶ مضمون محوری و در نهایت تدوین و ارائه یک الگوی نظری ساختاریافته و کاربردی شد. الگوی حاضر با

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فراهم ساختن چهارچوبی منسجم برای تدوین و اجرای بهتر خط‌مشی‌ها، می‌تواند زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی بیشتر، تقویت اقتصاد محلی، کاهش پایدار نابرابری‌های منطقه‌ای، پایداری اجتماعی و افزایش بازخورد مناسب از ذی‌نفعان را فراهم آورد و تصویر روشنی برای خط‌مشی‌گذاران و مدیران ایجاد کند. این الگوی نظری از آنجا که حاصل تحلیل تجربیات عینی و دیدگاه‌های متخصصان دارای تجربه عملی است، می‌تواند مسیر عملیاتی مشخصی را برای دستیابی به اهداف پایدار فقرزدایی و مقابله کارآمد با پدیده حاشیه‌نشینی ترسیم نماید.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که الگوی خط‌مشی‌گذاری مبارزه با نابرابری به‌عنوان پدیده محوری این پژوهش در کانون توجه مشارکت‌کنندگان قرار دارد. براساس یافته‌ها، وجود یک الگوی جامع و یکپارچه برای کاهش فقر و مبارزه با معضل حاشیه‌نشینی در ایران ضرورتی اساسی محسوب می‌شود، چرا که تلاش‌های پراکنده و بدون انسجام ساختاری در گذشته نتوانسته است در عمل نتایج مطلوب را رقم بزند.

در بررسی شرایط علی اثرگذار بر این پدیده، «شبکه‌سازی» به‌عنوان یکی از عوامل اصلی شناسایی شد. یافته‌ها حاکی از آن است که علی‌رغم وجود نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی در این زمینه، به علت ضعف تعاملات، نبود شبکه‌های ارتباطی قوی و فقدان هماهنگی‌های منظم بین این نهادها، اقدامات اغلب به صورت پراکنده و حتی متناقض انجام می‌شود. به عنوان مثال، مصاحبه‌شونده شماره هفت اظهار داشت: «ما ساختارهای حمایتی متعددی داریم، اما همکاری کافی بین آن‌ها وجود ندارد. سازمان بهزیستی و کمیته امداد به‌طور جداگانه عمل می‌کنند و گاهی خط‌مشی‌های متناقض دارند.» بنابراین، ایجاد شبکه‌های تبادلی و تعاملی مستمر و قوی به عنوان پیش‌نیاز موفقیت در اجرای خط‌مشی‌ها برجسته شده است.

«نوآوری» نیز به عنوان یکی از عوامل کلیدی و تأثیرگذار شناسایی شده است. طبق نظر مشارکت‌کنندگان، روش‌ها و ابزارهای سنتی به نوعی اشباع شده‌اند و برای مواجهه جدی‌تر و مؤثرتر با مسئله فقر به نوآوری و راهکارهای جدید نیاز است. مصاحبه‌شونده شماره سه بیان کرد: «بدون نوآوری در خط‌مشی‌گذاری، ابزارهای سنتی کمکی به کاهش فقر نمی‌کنند.» در نتیجه، اهمیت به‌کارگیری راهکارهای نوین مانند فناوری اطلاعات، توسعه سامانه‌های پایش هوشمند و فناوری‌های ارتباطی پیشرفته برای اثربخشی بیشتر خط‌مشی‌ها تاکید شده است.

علاوه بر شبکه‌سازی و نوآوری، «چالش‌کاوی» هم دارای اهمیت اساسی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ضعف در بازبینی نقادانه برنامه‌های پیشین و عدم تحلیل و شناسایی دقیق دلایل شکست آن‌ها باعث تکرار خطاها شده است. در همین رابطه، مصاحبه‌شونده شماره نه تأکید کرد: «ما بارها برنامه‌هایی اجرا کردیم که بعد از چند سال متوقف شدند، اما هیچ تحلیلی درباره دلایل شکست آن‌ها انجام نشده است.» بر این اساس، تحلیل انتقادی، مستندسازی تجربه‌های گذشته و درس‌آموزی از آن‌ها نیاز مبرم خط‌مشی‌گذاری موفق محسوب می‌شود.

«جمعیت‌شناسی» نیز به عنوان عاملی تعیین‌کننده در موفقیت خط‌مشی‌ها شناسایی شده است. تحولات جمعیتی از جمله رشد سریع حاشیه‌نشینی، مهاجرت داخلی و دگرگونی در ترکیب سنی و ویژگی‌های اقتصادی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مناطق مختلف ایجاب می‌کند تا خط‌مشی‌ها انعطاف‌پذیر و متناسب با نیازهای روز جامعه باشند. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره دوازده بیان کرد: «با رشد سریع حاشیه‌نشینی، نیاز به خط‌مشی‌های جدید در تأمین خدمات اجتماعی داریم». این یافته نشان می‌دهد که انطباق خط‌مشی‌ها با شرایط متغیر جمعیتی و آمایش سرزمینی ضرورت دارد.

در تحلیل شرایط زمینه‌ای پژوهش نیز چندین مقوله مهم برجسته شدند. «شاخص محوری» در تحلیل و پایش مستمر برنامه‌ها، «کیفیت‌گرایی» در ارائه خدمات و توجه به استانداردهای تعریف‌شده، «آینده‌پژوهی» در پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده، و «مستندسازی» به عنوان ثبت دقیق تجربیات و درس‌آموخته‌ها برای عبرت‌گیری و بهبود عملکرد آینده، هر کدام نقشی حیاتی در موفقیت خط‌مشی‌ها ایفا می‌کنند. بی‌توجهی به این الزامات زمینه‌ای ممکن است باعث شود که نتایج پایدار و مطلوب حاصل نگردد.

شرایط مداخله‌گر شامل «بازرسی و پایش»، «حمایت‌گری» و «حمایت‌جویی» نیز اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارند. سازوکارهای نظارتی مستمر و اثرگذار، اطمینان از حرکت درست در مسیر اهداف را تضمین می‌کنند. از سوی دیگر، نقش حمایت‌گری از جانب جامعه مدنی و حمایت‌جویی از سوی نهادهای حاکمیتی می‌تواند موجب تقویت مقبولیت اجتماعی و اثربخشی اقدامات گردد.

در نهایت، یافته‌ها به شناسایی سه راهبرد کلیدی منجر شد که شامل «هدف‌محوری»، «برنامه‌محوری» و «بهره‌وری» است. تمرکز دقیق بر هدف مشخص، اجرای خط‌مشی‌ها در قالب برنامه‌های منسجم و جامع، و همچنین استفاده بهینه و کارآمد از منابع موجود به‌عنوان راهبردهایی حیاتی برای رسیدن به اثربخشی پایدار خط‌مشی‌ها در کاهش فقر و نابرابری شناسایی شده‌اند. بر اساس تحلیل داده‌ها، پیامدهای موردانتظار از اجرای درست و مبتنی بر الگوی طراحی‌شده، شامل «عدالت‌گستری» بیشتر در جامعه، «تقویت اقتصاد محلی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای»، ایجاد «پایداری اجتماعی» و همچنین «بازخوردمحوری» در نظام خط‌مشی می‌باشد. به عبارت دیگر، اجرایی‌شدن این الگو پیش‌بینی می‌شود که موجب توزیع عادلانه‌تر منابع، ارتقای سطح اقتصاد و زندگی جوامع محلی، کاهش چشمگیر نابرابری‌ها و پایدارسازی نتایج اجتماعی خط‌مشی‌ها شود.

این تحلیل جامع که براساس داده‌ها و گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و نتایج پژوهش انجام گرفته است، می‌تواند به عنوان یک منبع روشمند و کامل برای اصلاح نظر استاد و تکمیل مقاله مورد استفاده قرار گیرد.

نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین همسو می‌باشد. ملکی (۱۴۰۲) نشان داده است که نبود معیار مشخص برای تعیین خط فقر و دشواری شناسایی افراد فقیر، از چالش‌های اساسی برنامه‌های توسعه‌ای کشور بوده است. همچنین، صالحی و همکاران (۱۴۰۱) بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین تأکید کرده‌اند؛ مسئله‌ای که در این پژوهش نیز به‌عنوان یکی از راهبردهای کلیدی برای فقرزدایی مطرح شده است. در مطالعات خارجی نیز، پارامد و هارپال (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که تأمین مالی خرد از طریق سازمان‌های توانمند و شبکه‌های حمایتی اجتماعی، در ریشه‌کن کردن فقر تأثیر بسزایی دارد. چنل و همکاران (۲۰۲۱) در گزارش جهانی نابرابری، بر اهمیت اصلاحات ساختاری در خط‌مشی‌های اقتصادی تأکید کرده‌اند؛ موضوعی که یافته‌های این پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند. همچنین، اسمیت و رابرتسون (۲۰۲۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که ترکیب خط‌مشی‌های رفاهی و توانمندسازی اقتصادی، می‌تواند تأثیرات

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پایدارتری بر کاهش فقر داشته باشد. این یافته، با نتایج این تحقیق که بر اهمیت توسعه پایدار و کاهش اتکای صرف به پرداخت‌های نقدی تأکید دارد، همخوانی دارد. در مطالعات تطبیقی، جونز و همکاران (۲۰۲۳) اشاره کرده‌اند که کشورهای موفق در فقرزدایی، رویکردهای مبتنی بر داده‌های کلان و سیستم‌های پایش هوشمند را به کار گرفته‌اند؛ راهکاری که در این پژوهش نیز به‌عنوان یک توصیه مهم ارائه شده است.

در راستای عملیاتی‌سازی این نتایج، پیشنهاد می‌شود که خط‌مشی‌گذاران به جای تمرکز بر پرداخت کمک‌های نقدی، به توسعه فرصت‌های اشتغال پایدار و افزایش مهارت‌های شغلی گروه‌های فقیر توجه کنند. همچنین، ایجاد سامانه‌های هوشمند برای پایش و ارزیابی فقر می‌تواند شفافیت در توزیع منابع را افزایش داده و موجب کاهش انحراف در اجرای خط‌مشی‌ها شود. یکی از چالش‌های کلیدی در ایران، نبود هماهنگی میان نهادهای مسئول در حوزه فقرزدایی است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که حکمرانی یکپارچه‌ای برای اجرا و نظارت بر خط‌مشی‌های فقرزدایی ایجاد شود تا از تداخل وظایف و موازی‌کاری میان نهادهای مختلف جلوگیری گردد. همچنین، با توجه به اینکه نابرابری‌های منطقه‌ای یکی از عوامل تشدید فقر است، ضروری است که خط‌مشی‌های فقرزدایی متناسب با ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی هر منطقه تدوین شوند .

این پژوهش علی‌رغم ارائه یک الگوی جامع برای خط‌مشی‌گذاری در حوزه فقرزدایی، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها، همپوشانی میان شناسه‌ها و بارزیت‌بخشی به مقوله‌ها است. همچنین، دشواری در دسترسی به مجریان سطح اول در حکمرانیِ مقابله با فقر و حاشیه‌نشینی، بر دستیابی به نکات و شناسه‌های کلیدی اثرگذار است. مطالعات آینده می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی (کیفی–کمی)، میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های شناسایی‌شده را بررسی کنند. علاوه بر این، این پژوهش به‌طور خاص بر شرایط ایران متمرکز بوده است، درحالی‌که مطالعات تطبیقی می‌توانند شوندرهنمودهای مؤثری را در خط‌مشی‌گذاری مقابله با فقر و حاشیه‌نشینی فراهم کند. همچنین، همچنین، این پژوهش یک چهارچوب نظری ارائه، اما اجرای عملی آن مستلزم بررسی دقیق‌تر منابع مالی، ظرفیت اجرایی و چالش‌های فرهنگی است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده بر طراحی سازوکارهای عملیاتی برای پیاده‌سازی این الگو متمرکز شوند .

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موفقیت در مبارزه با فقر و نابرابری تنها به تدوین خط‌مشی‌های مناسب محدود نمی‌شود، بلکه اجرای صحیح، نظارت مستمر و بهره‌برداری بهینه از منابع، عوامل کلیدی در تحقق اهداف خط‌مشی‌ها هستند. همچنین، نتایج این تحقیق حاکی از آن است که نظام خط‌مشی‌گذاری ایران در حوزه فقرزدایی، نیازمند افزایش هماهنگی میان نهادهای اجرایی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در پایش خط‌مشی‌ها و شناسایی جامعه هدف و تغییر رویکرد از حمایت‌های نقدی به سمت توانمندسازی پایدار است. اتخاذ رویکردی مبتنی بر داده‌های علمی، همراه با مشارکت فعال شهروندان و نهادهای غیردولتی، می‌تواند منجر به افزایش اثربخشی خط‌مشی‌های مبارزه با فقر شده و زمینه‌ساز توسعه‌ای عادلانه‌تر در کشور باشد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع فارسی

۱. دانایی فرد, حسن , نیوی, سیدمرتضی , نصری, فرامرز و سجادی نژاد, سید محمد جواد . (۱۴۰۳). مفهوم‌پردازی خط‌مشی‌ها، راهبردها و برنامه های رفع فقر در ایران: پژوهش کیفی. پژوهش های مدیریت عمومی, ۱۷(۶۵), ۱-۳۴.

۲. دانایی‌فرد, حسن و امامی, سید مجتبی . (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد .*اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*،۱۰۴(۲)۱، ۶۷-۶۹.

۳. زینی وند مقدم، رضا؛ باقرزاده، محمدرضا؛ قلی پور کنعانی، یوسف؛ متانی، مهرداد؛ عارف نژاد، محسن. (۱۴۰۰). طراحی الگو اجرای خط‌مشی‌های وزارت آموزش و پرورش با استفاده از روش الگوسازی ساختاری تفسیری، فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی‌در مدیریت، سال ۱۲، شماره ۴۲، صص ۸۴-۶۷.

۴. شایگان س., قهرمان نوه سی ف. (۱۴۰۲). ارزیابی تجربی مولفه های حکمرانی خوب در بخش عمومی دولتی ایران (مطالعه موردی: آموزش و پرورش شهر ارومیه). نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری, ۷(۲۵), ۱۸۴۷-۱۸۵۹.

۵. صالحی، مطهره؛ سالارزهی، حبیب‌الله؛ ایمانی، عبدالمجید. (۱۴۰۱). بررسی ایفای نقش مطلوب مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در راستای توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین. جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۴۹۹-۴۷۵.

۶. عباسی، ع.، معتضدیان، ر.، و میرزایی، م. ق. (۱۳۹۵). بررسی موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی .پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، (۲)۶، ۶۹-۴۹.

۷. قره داغی، رستم؛ محمدی، آرزو. (۱۴۰۰). موانع اجرایی خط‌مشی‌های عمومی‌با رویکرد حکمرانی شهری (مورد مطالعه: شهرداری‌های استان آذربایجان شرقی)، فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی‌در مدیریت، سال ۱۲، شماره ۴۳، صص ۱۱۱-۹۳.

۸. مبینی دهکردی, علی , امیری, مجتبی و کرمانشاه, فیروزه . (۱۳۹۷). معرفی ابعاد ساختاری نوآوری فراگیر و کاربرد آن در خط‌مشی‌گذاری عمومی برای کاهش نابرابری. سیاستگذاری عمومی, ۴(۲), ۳۳-۵۶.

۹. مرادیان نیری، م. و رفیعی علوی، س. ا. (۱۴۰۳). درآمدی بر بایسته‌های بودجه فقرزدا. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۳(۳)، ۵۳-۸۴.

۱۰. مصطفایی،شعبان، خدادکاشی، فرهاد و موسوی جهرمی،یگانه(۱۳۹۹)، تأثیر توسعه صنعتی بر کاهش فقر در استان‌های ایران، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دهم ، شماره ۳۸، صفحه ۴۵-۶۰.

۱۱. ملکی، امیر. (۱۴۰۲). تحلیل جامعه‌شناختی خط‌مشی‌های کاهش فقر و نابرابری اجتماعی در برنامه‌های توسعه (راهکارها و توصیه‌های خط‌مشی برای تدوین برنامه هفتم توسعه). فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۷، شماره ۳، صفحات ۷۸-۳۵.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

References

1. Abbasi, A., Motazedian, R., & Mirzaei, M. Q. (2016). Examining the barriers to the implementation of public policies in governmental organizations. *Organizational Resource Management Researches, 6*(2), 49–69. Retrieved from https://ormr.modares.ac.ir/article-28-2015-en.html. . (In Persian)
2. Atkinson, A. B. (2022). Tax policy and income inequality: A comparative analysis of OECD countries. OECD Economic Studies, 53(4), 81-103.
3. Banerjee, A. V., & Duflo, E. (2019). Good Economics for Hard Times: Better Answers to Our Biggest Problems. PublicAffairs.
4. Banerjee, A. V., & Duflo, E. (2021). Good Economics for Hard Times. PublicAffairs
5. Banerjee, A., & Duflo, E. (2021). Social protection and poverty reduction: The role of public policy. *World Development*, 140, 105296.
6. Cairney, P., & Heikkila, T. (2021). The New Public Governance: A theory-based analysis of public sector leadership, legitimacy, and outcomes. Policy Studies Journal.
7. Chancel, L., Piketty, T., Saez, E., & Zucman, G. (2021). World Inequality Report 2022.
8. Danaeifard, H., & Emami, S. M. (2007). Qualitative research strategies: A reflection on grounded theory. *Strategic Management Thought (Strategic Management)*, 1(2), 69–97. https://doi.org/10.30497/smt.2007.104. (In Persian)
9. Danaiifard, H., Neiyavi, S. M., Nasri, F., & Sajadinejad, S. M. J. (2024). Conceptualization of policies, strategies, and programs for poverty alleviation in Iran: A qualitative study. Public Management Research, 17(65), 1-34. (In Persian)
10. Drèze, J., & Sen, A. (2020). Hunger and Public Action. Oxford University Press.
11. Drèze, J., & Sen, A. (2020). Poverty and inequality in the developing world: Challenges and opportunities. *The Oxford Handbook of Poverty and Development*, 345-377. Oxford University Press.
12. Enzo, F., & Nierras, S. (2019). Urban poverty and informal settlements: A study of slum resilience. Journal of Urban Affairs, 41(3), 351-372.
13. Enzo, F., Zambrano-Verratti, J., & Reinout, K. (2019). Web-based participatory mapping in informal settlements: The slums of Caracas, Venezuela. *Habitat International*. Advance online publication. https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.102038
14. Filindra, A., & Goodman, S. W. (2019). Studying public policy implementation through immigration policy research: The case for a return to the street level. Policy Studies Journal, 47(4), 929-950.
15. Garcilazo, E., Moreno-Monroy, A., & Martins, J. O. (2021). Regional inequalities and contributions to aggregate growth in the 2000s: An EU vs US

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

comparison based on functional regions. *Oxford Review of Economic Policy, 37*(1), 70–96.
16.Ghahreman-Noohsi, F., & Shayegan, S. (2023). Identifying and ranking the factors affecting the implementation of policymaking to reduce inequality and ensure fair income distribution. New Research Approaches in Management and Accounting, 89, 960-984. (In Persian)
17.Gharadaghi, R., & Mohammadi, A. (2021). Implementation barriers of public policies with an urban governance approach (Case study: Municipalities of East Azerbaijan Province). *Quarterly Journal of Public Policy in Management, 12*(43), 93–111. (In Persian)
18.Ghosh, S. (2020). Impact of economic growth volatility on income inequality: ASEAN experience. *Quality & Quantity, 54*, 807–850.
19.Hallsworth, M., Egan, M., Rutter, J., & McCrae, J. (2018). Behavioral government: Using behavioral science in public policy. The Behavioural Insights Team.
20.Head, B. W. (2016). Toward more “evidence-informed” policy making? Public Administration Review, 76(3), 472-484.
21.Hudson, B., Hunter, D., & Peckham, S. (2019). Policy failure and the policy-implementation gap: can policy support programs help? *Policy Design and Practice, 2*(1), 1–14. https://doi.org/10.1080/25741292.2018.1540378
22.Itzen, D. S., Bakazin, M., & Itzen-Smith, K. (2016). *Social issues from a critical perspective* (H. Naibi, Trans.). Culture, Art and Communication Research Institute.
23.Lewis, O. (1961). *The children of Sánchez: Autobiography of a Mexican family*. Vintage Books.
24.Lindblom, C. E. (1959). The science of "muddling through." *Public Administration Review, 19*(2), 79–88.
25.Maleki, A. (2023). A sociological analysis of policies for poverty reduction and social inequality in development programs (Policy recommendations for drafting the Seventh Development Plan). *Quarterly Journal of Social Development (formerly Human Development), 17*(3), 35–78. (In Persian)
26.Manna, P., & Moffitt, S. L. (2019). Traceable tasks and complex policies: When politics matter for policy implementation. *Policy Studies Journal*.
27.Mashunis, J. (2017). *Social issues* (H. Naibi, Trans., 2 Volumes). Research Institute of Culture, Art and Communication.
28.Mobini-Dehkordi, A., Amiri, M., & Kermanshah, F. (2018). Introduction of structural dimensions of inclusive innovation and its application in public policy for reducing inequality. Public Policy, 4(2), 33-56. (In Persian)
29.Moradian Niri, M., & Rafiei Alavi, S. A. (2024). An introduction to the essentials of poverty-reducing budgeting. Public Law Knowledge Quarterly, 13(3), 53-84. (In Persian)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

30.Mostafaei, Sh., Khodadkashi, F., & Mousavi Jahromi, Y. (2020). The impact of industrial development on poverty reduction in Iranian provinces. *Economic Growth and Development Research*, 10(38), 45-60. (In Persian)
31.Neeraj, D., & Sandra, C. (2019). Residents' self-initiatives for flood adaptation in informal riverbank settlements of Kathmandu. *International Journal of Disaster Risk Reduction, 40*, Article 101156.
32.Nierras, R. M., & Reimann, C. (2019). Civil society organizations, advocacy, and policy influence in resource-rich countries. Routledge.
33.Paramed, & Harpal. (2020). Evaluating poverty alleviation strategies in a developing country. *PLOS ONE, 15*(1), e0227176. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0227176
34.Park, J. (2018). Korea's government reform in public policy and management. *Asian Education and Development Studies, 7*(3), 256–265. https://doi.org/10.1108/AEDS-11-2017-0117.
35.Piketty, T. (2014). Capital in the twenty-first century. Harvard University Press.
36.Rais Dana, F. (2001). Studies in social pathology. Tehran: Publications University of Welfare and Rehabilitation Sciences. (in Persian)
37.Rawls, J. (1971). *A theory of justice*. Belknap Press of Harvard University Press.
38.Salehi, M., Salarzehi, H., & Imani, A. (2022). Examining the optimal role of non-governmental organizations' participation in empowering residents of marginalized areas. *Geography and Human Relations, 4*(4), 475–499. (In Persian)
39.Scharpf, F. W. (1997). Introduction: The problem-solving capacity of multi-level governance. *Journal of European Public Policy, 4*(4), 520–538. https://doi.org/10.1080/135017697344046
40.Sen, A. (1992). Inequality reexamined. Harvard University Press.
41.Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Oxford University Press.
42.Shahidi, Z., & Kaviani, Z. (2021). Monitoring of poverty in 2019. Office of Social Welfare Studies of the Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare in collaboration with the Research Center of the Islamic Council.(In Persian)
43.Škarica, M. (2018). Implementation of the strategy for public administration development in Croatia (2015–2020): A mid-term evaluation. Paper presented at the 31st International Scientific Conference on Economic and Social Development: *Legal Challenges of Modern World*, Split, Croatia, June 7–8, 2018.
44.World Bank. (2022). Poverty and Shared Prosperity 2022: Reversals of Fortune. World Bank.
45.Zeinivand Moghadam, R., Bagherzadeh, M. R., Gholipour Kenani, Y., Metani, M., & Arefnejad, M. (2021). Designing a policy implementation model for the Ministry of Education using the interpretive structural modeling method. *Public Policy in Management Quarterly*, 12(42), 67-84. (In Persian).

Archive of SID.ir